

جای اداره کسما

مدیر - علامتین کسمانی  
ملک اوقات و مکاتیب  
باید بعنوان دلیل باشد  
جنگل

# بندگاران

۱۳۳۵

تخصیص اجرت لایح و اعلا با  
خصوصی با دفتر اداره است

مکاتیب بدون امضاء  
و عنوان نام بر قلم نیاید

در اشتراک بهر شماره در یافت می شود

قیمت اشتراک

یکار ۵۰ قران

بار پنج چهارشنبه ۱۵ شهریور اول ۱۳۳۶

بر ماه چهارم به طبع توزیع خواهد  
گفت سره موقت شاهی

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و متور افکار اسلامیان است

## فداکاری لازم است

گفتی که گفتیم، نوشتنی را نوشتیم، در ده را  
شمریم بدین معنی را شرح دادیم، خرابها را ذکر کردیم  
کوچکی، فروشی، ادب، احرام، نزاکت را  
مراعات نمودیم  
نال جزع فریاد استغاثه ضحیت بر عطف  
اندرز پند هر چه بود عنوان کردیم دیگر بقول تنها  
الغنا کنیم دیگر بحرف تنها قاعده قائم خیانت  
کرده ایم اگر باز هم تقلید سابقین تانسی تانسن  
مشی کنیم روح ابرامیت را مسموم حقیقت و پشت  
اسلامیه را پامبال نمودیم

جلو جزییات سود را بحرف نمیتوان سزد کرد  
مقابل سیلهای بلا بر جز خوانی بجا بنمون معاود  
کرد کار را از امر و بفر و انجول کردن با نظار و بیل  
و اسباب روز گذرانیدن و با امیدهای دور و  
دراز امر و رفت نمودن و از دیگران توقع  
غنجواری کردن و دراز دانش بعد از فرینکت

و فاج از رسوم عقل است باین عقیده با شیم گرفتن  
که با برکت های گو تاگون و با بقوت هر یک از آنها یکا  
بناست موقع میخواهند زمام امور را در دست  
گرفته برای حفظ منافع عالیه و ثامن نواید آتیه  
خود کارکنند اصلاح خرابها کرده باز معاهد  
متراکه جلو گیری خواهند کرد خود را فریب داده ایم  
بلاست و حماقت خود را بعالیایان ثابت نمائیم  
صراحتاً میگوئیم بگانه علاج در دمای ما کینا چاره  
بچارگی های ما اینست که :

## فداکاری لازم است

آری فداکاری لازم است زیرا آب از سرگشته  
ملکت بکلی در گرداب خرافات و طس مثل بر  
مختصر دست و پانیزند گرک بیدار میشان در  
خواب کله بی پاسبان واضح تر زد در کهن  
عیسای هجوم بکاروان فافلسا لا اگر فاعاقل  
در این حال باید با تجارت با تهور با عشی سزار  
با خونیکه نرسیده و سزاوار بر عاقل صادق است

شوم است قطع میکند شاخ دیگر شیان نمود و نسبت خود اطمینان انداز گوشها میمانند.

ویروز در بار طالع روسیه را حمل انگلیس و شیان خود قرار داده هر چه را بایل بودند کردند و هر چه در دل داشتند گفتند امروز دولت حق کس منظوم آزار انگلیس را بجا، و پناه خود قرار داده هر چه را که مالیده میکنند و آنچه را در دل دارند میگویند.

فرداشکی یکی دیگر گرفته دیده باز هم آنچه را در خواب است بیل میآورند بوقلمون و در هر لحظه اتحاد رنگی جدید بنمایند با سرمایه ستاکی و هر زره درانی تمام برعه سیاست گذاشته شاع کران بهای باغکار را میرسانند هر روزه بطمع دخل دشمنی جدید برای مملکت تهیه میکنند نه شرم دارند ایمان نه دین دارند نه وجدان

دست موفقی شانس قضا امر در شمشیر انتقام بدست با داده موفقی جزای این به کرداران را برای مانته کرده و تمام افراد مالدلیل داشته که این بود قدیم اصلاح نمیشود مگر همچو این ناکسان و همچو این قرنان صورت امکان نمی یابد مگر بظلمت مغزی خستی

باجی معرط با علقه و افزونی خستیار دیوانه وار قدم در میدان فداکاری گذاشت آری فداکاری زیر اغمازان ما جمعی معرفی گشته اند که در این خیانت خود و پیشه بوجدانی خود غمخواری مملکت را کفر محض میدانند بمصادره امور با کسانی معرفی شده اند که مزدوری پگانگان را شرف تاریخی بنده شده اند بیدار کنندگان با از خواب غفلت مردمانی هستند که خواب غفلت را تا بیدار میکنند نوزیدگان ما اشخاصی هستند که دیانت و جان مروت ملت مملکت ناموس و بر تقدسات الهیه را به پگانگان فروخته با کمال حدیث بر لبی ادبی حقوق دشمن بغیا و اخلاق ملت و گمراهی جماعت و سوق دادن مردم بواجبی ضلالت کوشش دارند فائین و بدکاران بقدری جنور و جرمی شده اند که هرگز تصور جزائی برای خود نمیکند چون فرویشان با اندازه جنت اطمینان پیدا کرده اند که خیال مجازات و قصاص در تخیله آنان خطور نمیکند.

داس طبیعت هر شاخی را که شیان این زبان

نصیحت (بقیه از شماره قبل)

و چند قسم شنیده و یقین دارم که صدق است از دوگان صرافی زبور آلات عاریه گرفته شد و بزین منگ پوشانیده گشت و در باب او محو به نمودند و بالاتر از این لباس محارم خود را سبب زینت فاشه قرار داده بودند و حالاکه دوره حریّت ردس شده و عهد اتحاد در میان آمده و از روی نظر من و عفت و غیره به عفت نفس این جمعیت متعهد شده اند که از افراد نظامی آنها حرکتی برخلاف انظام صادر نگردد و دیاری از مردم گسیلان بجز گرفته نشود و کلیه ارتش بگردودت تهدی بناموسی دراز نشود و در موطنی که گسیلان حاکم نداده نمایند از دولت انعام نشود با این اغیت میکند مانند که شب مثل روز رفت آمد دادند و در خطنها باز و در کمال سلامتی هر چه هستند و بفاصله خود و تکالیف خویش بهتغال دارند آیا انصاف دارند که تصانیف نمایند که همه این نصحت ابوسید مجاهدین و احراء وطن است آیا حال او صحیح آن شده که پروانه وار در انحراف شمع وجود آنها حاضر نمایند و مگر مجاهدت پر میان بنده تا سب پر بران مثل گسیلان



کلمه مقدسه که فقط و فقط علاج منحصر در دهنی ماست که  
 خداکاری لازم است  
 نه تنها مخاطب با فدائیان جنگند بلکه این خطاب با  
 توجه به عصر صامی است که در ایران و ایران با دیده  
 وقت و دور اندیشی ناظر این مناظر است و است  
 با بیانات دلنور خود را با آنها توجیه داده میگویم  
 دیگر بپوشید پاکت نشسته اید دیگر کدام موقفی با  
 انظار دارید دیگر کدام روزی سیاه تر از این روز  
 سیاه ما خواهد بود.  
 قدری توجه مکرر شود لحظه بخود آمده اوضاع شما  
 در بار دولت را نگرید لحنی با نظر تقوی مشاهده کنید که  
 پامی تحت این زن در چه حال است.  
 مثنی لاشس خوران پیدین گردی وطن  
 بی این عهدستی یگانگان چنان با بنده ام بنیان  
 این ملک تاریخ می شوند.  
 نظر کنید چگونه خد نفر و جدم فروش حقیقت  
 کش دنی فطرت و در از حقیقت را با اسم روزیام  
 نویس برای گمراه کردن جماعت و خراب کردن افکار  
 ملت و تفسیح عناصر صالحه مغلطه و ادشته اند.

بعد کبست ، وطن چست کوب ایران میگوید  
 تجری اینها هتاک و بی شرمی اینها بهلوانی در وقت  
 نمانی اینها با جز برای خودگی حرارت با جز برای انزوی  
 خونهای ما جز برای سستی و رخاوت ماست  
 اگر ما حق میدانیم اگر در راجعت بود اگر در  
 حب وطن داشتیم اگر آسان حقوق و وظیفه خود  
 بودیم چگونه این ناکسان این سوداگران بازار  
 رسالت این خریداران کالای بی ناموسی این  
 مزدوران انگلیس مظلوم آزار این بی حیثان بین  
 بر باد و با پر رولی و سماجی که فقط مخصوص  
 رجاله و هرزه گرد های رذل می است آزادانه  
 بخوف و هراس بدون وحشت از خزا و خاص  
 بدون ترس و بیم حقوق یک ملت و ملک را  
 فدیه اسکاس با همگامی قربان لیره همی انگلیس  
 کرده بدستور دشمنان وطن بخوابی مشغول با بیگناهی  
 طالبان بر باد می ایران و بیعت خائنین در بار می  
 آنچه را که هوس کرده بوقوع اجرا میکند آزند.  
 تاکی باید این فردایگان را بحال خود گذاشت تا چه  
 باید در حال خود سری های این عده همار کسه ناکت

شود و پاس دار ملک و دین کردند و در صف مردان روزگین قیام نمایند و سختی تن در دهند و بغیرت سر نهند  
 بسیار بی مشهور و بدین داری مشغول باشند و مگر این عظمت و موهبت نموده نظر با آثار رحمت الهی داشته که کیف  
 سخی الارض بعد نمرتها و در ظل غیب امان و غوث زمان از بیچگونه بدل مال بلکه جان در راه دین و تهنه است  
 اهتمام اسلام در بیع کرده تا ترفیه عباد و تعمیر بلاد حاصل آید و انصاف است تابع ارا اسخیفه و طامع ضمه  
 گردند شهدا با بصدای رسا که همه نقاط کیلان بلکه تمام ممالک ایران برسد میگویم چنان جس و غیرت اسلامی  
 در فکر میر آنها سوخ نموده که غیر مکن التفسیر است و از بیع تمام و حله باک نماند خون غیرت و شجاعت در عروق او را  
 چنان بپوش آمده که در فکر جوشن نشیند یک ص خداکاری و دفاع عالی در نمر آنها تولید و ایجاد شده که خود را حبه  
 نابود کردن هر دشمن دشمن دست نماند آنها کردند ملت و پستی را از این خاک که خاک اسارت و رقت شده دور نمایند  
 و برفق بر قسم از دارندگان مخالفت و حقارت که راضی به بیوع از خواری و رسالت و حاضر بجهت بر قسم از خصوصیت باطن

نشت این خواطره همی عقل سلین این نکته  
های به نام ننگین موهن شود مگر بقدا و ادن و فدائش  
پس در این صورت :

فداکاری لازم است

عجا مارتوگ باراده دیگران میدانند مارت  
این و آن می پذیرند کدام برمان عملی را میند  
اقدام کنیم که ما قائم نفس خود مستقیم و قیام با  
خط برای پاک کردن خاک مقدس وطن از لوث  
وجود کشف این بی ناموسان است

فانش میگوینم ما علاقه مخصوص باشماص معین ندیم  
لیکن در هر زاویه از رویای ایران کنیز وطن خواه  
ایران دوست باشد طرفدار او بشیم در هر نقطه از خاک  
ایران کنیز خان و وطن فروش باشد با او طرفیم و  
ضدیم

مستوفی الملک ، فخر سلطه ، مشیرالدوله ، پسر  
الملک و هر چه مثل اینها وجود محترم باشد تقدیس میکنیم  
طرفداری مینمایم برای خط از جنده شان فدا بشویم  
هر حادثه سونی که بجان و شرف آنها توجه کند  
مساکانه جانهای عزیز خود را سپر اشکادات قرار میدیم

تمام

چرا برای اینکه شرف و آند با اجانب همستی  
ندارند دوستار وطن خود هستند معنی دینت  
را فهمند آند اگر خدمتی مقدورشان نشود خجاست  
هم بخوابند کرده

بالعکس وثوق الدوله قوام السلطنه پهبان  
لار شعاع السلطنه امین الملک و محافظان  
را تکذیب میکنیم بدیدیم بفاو شان تصدیق  
مینمایم مو آنها را یگانه علاج درد های امروری  
میدانیم تمام قوای خود با نهادم حالات سو  
این بر باد دهندگان شرافت و آدمیت  
قیام میکنیم

چرا برای اینکه خیانت کردند یوسف عزیز  
وطن را بدر ارم معدوده به پگانگان فرخند  
امتیازات دادند ضرور اجانب شدند کارگر  
دشمنان ایران گشتند قدرت خدمت دهند  
مکروند سهل است خیانت نمودند بازیم شمولند و  
بر نمیدارند

با قلع بانی های بی اساس با منقض های سپود  
با سلف های حق سوز با استلالات مشحون از

شده پاشیده باشند و بطور محرمانه و پنهان هم اقدامی نخواهند کرد و علناً و آشکارا در تشکیل قوای عادی و معنوی و  
و تعالی قیام خواهند نمود تا باینکه اصلاح امور و مرتت خوابهای دوره استبداد شود و هر لحظه در ضربت  
بایران دار داده بفقیری بخود آنها برگردد و امروزه پر قیمت ترین چیزها و بالاترین خدمت نزد آنها توابعه و  
افکار و تبه و فقط ایران و ایرانیان است که تمام افراد ملت بلا استثنا و هر فاه باشد و از جنایت و بیخ  
اعمال عمال داخلی و خارجی مسبوق و هر یک از آنها از مقام خود مخلوع و دست و گریبان آنها گرفته و  
آدمیت خارج و اریس پرده خفاء آنها را آشکار و از شامت کار بها و مطالب دیروزی و با قدیمی آنها خاطر  
عامة االی را مستحضر دارند تا خائن و خبیث از خادم و طبیب تمیز داده شود و بجز الله بخت من الطیب  
حالا موضع است که گفته شود هر کس را کعبه قدس باید زحمت نفس شاپد و تا دولت مغوی نصیب نشود  
حنت یا قیبه کسب گردد حالا باید گفت جای مردی و غیرت است و بازار حرف است که هر که گامی پیشتر گذارد

لجاج با بخله با تدبیرت ادبی با حیلده های انسانی  
با افسون های فصاحتی و اخرا لامر مار و ضد خوانی  
و تفریه آرائی حق را باطل و باطل را حق نمیتوان جلوه  
داد با این یاوه سسائی با این هرزه درانی  
و جاهت و محبوبیت خادمان صدیق و وطن صالح  
نمیشود.

با این مغلطه با این نیرنگ با فانی ناپاک  
پاک و مظهر نخواهند شد ز بهی و قامت پر رو  
که میخواهند صفای را با این نحو خرافات مستور نگاه  
ملت ایران بی این ملت بی علم این ملت بی  
سواد این ملت بی اطلاع از مجاری امور این  
ملت بخواب رفقه این ملت ساده لوح زود  
باور تا این درجه هم بچرخد بی ادراک نشیند  
که باین ورق پاره با این هرزه کوفی با این  
مقدار مشتبه گردند که غمان و خادم را تفریدند  
اگر هم بعضی جزئیات را مطلع نباشند غم  
حسن کرده خواهند تلفت شد که برای حصول  
بمقصود و تصفیه مملکت و وضع شر و دشمنان  
خارجی و داخلی باید قیام نموده و بجوبی خواهند

نمید که امروز  
فداکاری لازم است  
و قاهت و بی شرمی بعضی از جراید بالاخره ما را از  
مسلك سلیقه که داشتیم منحرف داشته و درین  
شماره قلم ما را داخل در ذکر مطالب خارج از ترتیب  
نمود.

علت عصبانی شدن و داخل انگیزه مباحثات  
گردیدن بهمانا اطلاعی است که بمقتضای مسائلی جدا  
نموده ایم که دولت مظلوم کس حق بر باد انگلیس  
با دستبورد حشرات درباری بوسیله دونه نواز  
روزنامه نگاران بوجیدن.

عناصر محبوب و نویسندگان دیندار را ممنوع  
داشته و بلکه خادمان با و جاهت را بتمت و اقرا  
بنام نموده در این بین مقصود خود را حاصل کنند.  
یا للجبب بشری فرزند ان ناخلف ایران بر طاق  
مزور را بمقصودش نزدیک میکنند این سرگزی  
این مباحثات این مباحثات این آشوب کار را  
دولت انگلیس برای حصول مقصود خود تهیه نموده و نماینده  
رضع انگیزه بلا با اصلاح این نحو مفیده بمعده

کامی بیشتر استند جلادت باید تا سعادت یابد ولی ممتحن خواهد که تاب امتحان آرد و از راه برنخیزد و از تیغ عزراخ  
نیاید و در صف مردان آید تا در سایه طوبی گزیند و شربت جام تسنیم نوشد و بمصدر مقدر رضائیند موقع تصدیم  
خدمت و شستن رنگ لذت و غدر خجالت است که تابع بوس دیگر نباشد و عمر بخلت گذرانند و پشت  
خجالت خم نماید و حاصل زندگی را بایه شرمندگی کند برای فریخت بر خیزد و دست بدمان شفاعت آویزد و  
بدرگاه پروردگار رود و با تضرع و عجز و نیاز بپند عاکنده تا کرامتی بدو فرماید و بعنایت نظری نماید که گاهی  
از دست رفته داریم و پای در گل فرو مانده و بگوید پروردگار با جهانی گناه در تو پناه امن بحیب النظر ادا  
دعا، این مشت خاک را جان پاک داوی و گوهر دل در پیکر نهادی و عسل را در جان مالک امروزمان  
نمودی و دانش را مطاع و مبوط الید داشتی بایه توانائی مرتب نمودی و پنجه دانش قوی کردی که حکام  
را با مضار رساند و ضد حواس قوی را از هجوم بوس و بهی محفوظ و خانه دل را از یگانگی محروس و اورد بچاک

ماضن این فسرزدان خان یک چیز میگوید که میگویم  
فداکاری لازم است

- انتی -

### تلگراف

توسط اداره محترم روزنامه جنگل مقام مهندس امین محترم  
بنیت اتحاد اسلام دامت تائیداتهم الهی که کار خود  
سالهای مدیدی بوده در خودشان بنیت آئیده  
و بواسطه انیت تا آنکه امر دره در خاک که کار خود  
حکم فرماست عموماً دعاگو امر دره برای نصب پیر  
شیر و خورشید دولت شایسته ایران در بالای  
اداره تحقیق احساسات قلبیه خودشان را ظاهر  
ساخته این بنیده احساسات قلبیه و ادعیه خالصه  
انهارا تقدیم آن ذوات مقدس که بگانه وسیله  
استحکام اساس اسلام و استقلال ایران میشد میاریم  
و از خداوند تعالی موفقت آن بنیت محترم رسالت  
بنمایم .

### جنگل

از فعالیت آقای آقا میرحبیب الله خان بدیر محترم  
دائرة تحقیق کرگان رود که از عناصر کرامی فدائیان

جنگل است اثرات درخنده تری را بهم اعطای  
داریم الحق و عدت با موریت خود در آن حدود  
بقدری لیاقت و صحت عمل از خود ابراز نمود که نشان  
هرگونه تقدیر و تجرد است موفقت اینگونه جوانان  
کافی صحیح العمل را همواره از خداوند تعالی مسئلت داریم

### تلگراف

حضرت مبارک حضرت مستطاب اشرف اعظم آقای مرتضی  
المالک دامت عظمته .

بطوریکه خاطر مبارک مستخبر و مطلع است لازمت  
زمانی باین طرف دعاگویان که از اولیاء دولت  
علیه است دعا می بدل توجه و عنایت مخصوص اصبح  
بامور صفحت کیلانات از قبیل تعیین حاکم و رئیس  
عدلیه از عناصر صالحه و تسریع امر انتخابات و غیره  
نموده و تاکنون بیح و بی اثری بطور نرسیده  
مثل آنکه زمام داران امور مرکزی یا با بکل از موفقت  
کیلان و امور این صفحی اطلاع و یا عواض و سبب  
دعاگویان که ماخذ آن نظریات و اطلاعات کلاه  
محل است بیچوبه افاده طنز الطیبانی هم برای ایشان  
نمی ناید تا آن عواض صادقانه را که فقط از نقطه نظر

و فعالیت ما را از توفیق و بهر یکی از این ما بر ما منتی گزیند شکر آن در پان گنجد و نه شرح او بر زبان آید منت روان عطا کردی  
کنت و توانائی گرامت کن تا حد و مملکت و وطن خود را مانند دل از هجوم هموس و موی خیانت کاران از زمام داران و نام داران منظر  
داریم و شکوس نزد خلد و خارج بگردیم و توفیق اتحاد و یگانگی عطا فرما و باب رحمت گشا که شکر صفت آنکه داریم همه اجسم  
بدرگاه تو باز و دست نیاز بر حمت تو دراز ما بنندگان عاصی بر لوح معاصی خط غدیری کشیدیم بهلوی کبار حساسی میگویم  
هر چه نا کردنی بود کردیم و هر گز از جرم خود عذری پیش نیآورده ولی نقش لا تقطوا را حرز قلوب و همین یقین باین  
الله بفرماید نوب را در نظر داریم در خوف و رجاء دستی برد من التجا که ما را هد و ما تا راه تحصیل پیش گیریم و رسم  
تفطیل فرود گذاریم و از او نام که بایه لغزش اقدام است کناره جویم و باقتضا کسالت در جهالت باقی نمانده و بگویم  
خزنیات از هم کلی قانع شویم و از دام های لاجسته و ترویج مذمب و ملت کنیم و حقیقت را بمناجبت شرفیت آشکارانایم  
تا ما را بن خداوند و قابل دانش خوانند ربنا اخرنا من الظلمات الی النور والسلام - انتی -

دو خواهی و درین دوستی است بسمع قبول اصفا  
 ترتیب اثری بدیند مثلاً علاوه بر بعضی حرکات نامیها  
 فامیل حاجی معاذ الدوله و اقدامات نیکین اخیراً آنها  
 که موجب بسی اثر است، چنانکه باید برض رسیده باشد  
 این روزها قوه نظامی موجوده ما در رشت که میاید  
 موجبات نظم و انتظام را فراهم ساخته باشد متناً  
 از اقدامات خود االی را در رخت و خا را از این صفا  
 فوج معهود و تقیم رشت که این ایام بکفر اکنند و دیگر  
 رازخم مکرری زده اند که مشرف بهوت است و از نظر  
 االی قالیته از این حرکات و سایر ترتیبات سمیت  
 خا آورده که بغوریت اقدام عاجلانه بملاحظات  
 زبوره بنامند و چون آقای امیر عا پر حکمران خلافت  
 که یکی از متحدین بنیت اسلام است برای ملاقات  
 و تجدید عهد اینجا شریف آورده اند از این تقاضا  
 شده که برشت و رود نمایند ترقیبی در امور ت زبوره  
 و در امور حکومتی که خیلی در هم در هم بوده بدیند تا  
 هر وقت حاکم صالحی از مرکز معین گردید مغزی الیه  
 بمقر خود مراجعت نماید و چون خلا امید اوری عالی  
 ایران هموناد و عا گو یان خضر صا بوجود مبارک حضرت  
 اشرف است که رسماً مسؤلیت تشکیل کابینه در بابت  
 وزراء، عظام و اصلاحات امور داخلی و روابط خارجی این  
 وطن ستمیده را عهده دار شده اند اینک بعد از  
 تقدیم ادعیه فالصانه و مراسم سمیت مجد و امتد عا  
 سابقه خود را یاد آور و تمنا دارند که سرعاً بطوریکه از  
 یک چنان غصیر قلبی شایسته خبر کور و مل مشکلات فریاد  
 و انبوه را که بحقیقت از دفا پر روزگار حبه آینه موجبات سعادت  
 ایران میوان تصور کرد و منقسم شمرده نام یک خود با یک  
 فعالیت و جدیت مخصوصه مطرز و موشح و مانند  
 بنیت ایران اسلام

مکتوب

اداره شریفه روزنامه جنگل بنام و بابت و نیت  
 درج این مختصر را برای رفع شبهه تمایز میام  
 در یکی از شماره های روزنامه رعد که ملک تهنش  
 معین است مابین بنده نیت دادند که بحضرت آقا  
 سیرزا کوچک خان سو، قصدی در نظر داشتیم هرگاه  
 این قضیه بی اصل است باقصای تین و وجدان  
 صحیح خودمان تکذیب فرموده تا عموم بدانند که بنده  
 ازین تمتم مبری هستم.

محمد رسول

جنگل

اجار مندرجه روزنامه رعد را جدا تکذیب میکنیم  
 از و او خارج شدن آقای آقا محمد رسول راجع ساره  
 مذاکرات داخلی و مصالح جمعیت بوده و جهات دیگری  
 نداشته است.

چهارم در پرده

طهران

آژانس پیاده راپورت میدهد

اقدامات لازم

بنیت دولت با بصر حضرت اشرف سپهسالار اعظم  
 و دلجویی حضرت اقدس قوام السلطنه و بهر ای آقای  
 وثوق الدوله بصوب جناب امین الملک و بی قلبی  
 حاج معاذ الدوله دستخا حاج معین الملک  
 و آواره کی شریعت زاده قائم مقام الملک و نسلی  
 مقرب الحفرت العلیه آقای حاج لیل الدوله بالاخره  
 تقسیم نموده که دولت ببت پنج نفر قزاق ایرانی  
 (بقا و پنج نفر سواره و صد و پنجاه نفر پیاده ایرانی  
 سرکوبی جنگلی با طرف رشت اعزام دارند.

احطار

این بنده سید ضیا، الدین طباطبائی مدیر مسئول افکار کرامی جریده شریفه جناب رعد پس از چارده ماه مسافرت شمال باعشق سرش را تمیل نواقص مطبوعه نموده از مقامات مربوطه تحصیل قوا، و استعداد برای فداکاری در سربوئی مخالفین خویش عیا مافته بایک دنیا امید مشغول انجام وظایف خود شدم.

افسوس که اقبال مساعد نشد از قوا سی مهود شمالی مکی رسید افعی سیاست متغیر گردید در وظیفه آقای سید احمد قوام السلطنه و توفیق الدوله و سایر وطن پرستان مورد تنقید واقع شدند کیت مقصود رنگ و در مصافحینک و چارگشتم ایک باکال تنوره و شجاعت بدون محافظ کاری بجوم مشترکین اعلام میدارم: که با این طلب حاصل بدون سر نیزه کار با مان رسد لذا حقوق جریده را تعطیل گردید.

یکانه راه علاج لغویت مسافرت جنوب است انشاء الله اگر حادثه رخ نهد بعد از مانزده ماه قارین کرام را بخواندن فرازهای رعد با سر نیزه پلیس جنوب مشغول خواهیم نمود (هه به به) بر لیلانی کبیر امضاء: سجاد خان رعد

ادبیات

دلایبار بگو آه و ناله ما را  
بیا بهر گویو عاشقان شهید را

جاده دست بگو ماجرای فردا را  
خدا بفرماید کیش حضرتان و اولاد را  
صبا بلطف بگو آن غزال رعنار را  
که سر بکوه دیبا بان تو داوده مارا

- بقیه دارد -

اما صاحب منصبان تراق با بین ما سپرده اند که بکسی اظهار نکنند که بگذریم لفظ مامورند هر کس سوال نماید میگویند برای حفاظت بهمان میردیم که خدا نکرده خارتی بر اهالی و تجار بهمان وارد نشود.

مکافات

جهت تاراج بهمان و جنایات راهیت دولت طبعی فرض فرمودند چون اهالی بهمان در نهایت پست حیوانات را دباغی میکنند امروزه مکافات روزگار بوستان را دباغی کرد دولت از جریان طبیعت فادری بگنج گیری نیت ر قوی است که همه گی برآند

جهت کساره کردن

چون آقای میرالدوله وزیر جنگ پلیس جنوب را بهت نشاند و غول فرمانفرما را لازم دانست ما این جهت آقای قوام السلطنه از وزارت و خلد کساره گیری فرمود خوب است حضرت ارف سمسالار اعظم را باغوش بر عهد بجای شیرالدوله مضروب کنند که برعت برق وطن از گرداب فلاکت نجات یابد  
درد ناشی

آقای امین الملک وزیر پست و تلگراف بخار ایتمه بمرکز میبود بصاحبانش میزبانند غافل از اینکه عاقبت خواهد رسید اگر در بر نبود دروغ نمیشود

زنجان

حکومت بجهت ورود قشون روس حکم تجلیه کاره و انرا و خانه های اهالی نموده نفعی نام تا جر یک شبانه روز از حکمران فعلت بخواهد همان شب همزه نمان به بنا و عمده میدد خانه خود را خراب بنماید.  
یکی خانه خود را خراب میکند که بدگیری نهد بعضی (در باربان) خانه خود را خراب میکنند که چرا بدگیران نبینند